





دانشگاه کاشان

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

فرهنگ عامیانه در داراب‌نامه طرسوسی

استاد راهنما:

دکتر سید مهدی متولی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد راستگو

به وسیله:

نرجس گلریز

مهر 1391



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پوست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: نرجس گلریز	شماره دانشجو: ۸۹۱۲۵۱۰۲۰۵
رشته: زبان و ادبیات فارسی	دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجی
عنوان پایان نامه: فرهنگ عامیانه در داراب نامه طرسوسی	
تعداد واحد پایان نامه: ۴	تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۷/۳

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۹۱/۷/۳ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره $\frac{۱۸}{۲۵}$ به عدد $\frac{۱۸}{۲۵}$ و با درجه بسیار به تصویب رسید. به تصویب هیأت داوران: $\frac{۱۸}{۲۵}$ به حروف $\frac{۱۸}{۲۵}$ هر دو درج شده.

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر سید مهدی متولی	استادیار	
۲. استاد مشاور	دکتر سید محمد راستگوفر	دانشیار	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر رضا شجری	دانشیار	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر علیرضا فولادی	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر عباس اقبالی	دانشیار	

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار تقب رازمی

کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۱۱۶۷

تلفن: ۵۱۲۳۲۷ - دورنگار: ۵۱۲۳۷۷

http://www.kashanu.ac.ir

تقدیم به:

خانوادهٔ ارجمند

و

دوستان عزیزم

سپاس

سپاس و ستایش یزدان پاک را که آدمی را آفرید و به طریق علم و دانش رهنمون کرد. در آغاز از اساتید محترم جناب دکتر سید مهدی متولی که راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشتند و نیز از استاد گرامی جناب دکتر سید محمد راستگو که مشاوره این پایان‌نامه را متقبل شدند کمال تشکر را دارم.

همچنین از اساتید ارجمند جناب دکتر شجری و جناب دکتر فولادی که به عنوان داور، این پایان‌نامه را مورد مطالعه قرار دادند، سپاسگزارم.

نیز از جناب دکتر اقبالی که به عنوان استاد ناظر و نماینده تحصیلات تکمیلی قبول زحمت نمودند، تشکر می‌کنم.

چکیده

ادبیات کلاسیک فارسی، سرشار از داستان‌های عامیانه است و این داستان‌ها منبع مهمی برای مطالعه و تحقیق در زمینه آداب و رسوم و فرهنگ مردم گذشته می‌باشد. یکی از زیباترین این داستان‌ها داراب‌نامه اثر ابوطاهر طرسوسی است. این اثر زیبا، مجموعه‌ای از عناصر فرهنگ مردم، بخصوص افسانه‌های مختلف در مورد مکان‌ها و موجودات و درختان شگفت‌انگیز و اسرارآمیز را در خود جای داده است. بیشتر افسانه‌های داراب‌نامه درباره دو شخصیت اصلی داستان یعنی داراب و اسکندر است.

نگارنده به دلیل نقش مهم و مؤثر داراب‌نامه، در به تصویر کشیدن فرهنگ مردمان گذشته، بر آن شد تا ارکان فرهنگ مردم را در داراب‌نامه مورد بررسی قرار دهد. این ارکان عبارتند از: 1. زندگی مادی شامل مسکن و سایر بناها، خوراک، پوشاک، ابزار و وسایل، سنگ‌ها و فلزات، بوهای خوش، تفریحات، اوزان و مقایس و شکنجه‌ها؛ 2. زندگی معنوی شامل دینداری، جامعه‌شناسی و اخلاق، هنرشناسی، علوم، باورها و اصطلاحات جغرافیایی، طب عامیانه، آداب و رسوم و ادبیات عامیانه دربردارنده افسانه‌ها، حکایات، ضرب‌المثل‌ها، معماها، دعاها، نفرین‌ها و دشنام‌ها.

کلمات کلیدی

فرهنگ عامیانه، آداب و رسوم، داراب‌نامه، ابوطاهر طرسوسی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
			فصل اول: کلیات
			– پیش‌گفتار 1
			– شرح تحقیق 1
			1. موضوع تحقیق 1
			2. سابقه و تاریخچه 1
			3. اهداف تحقیق 1
			4. اهمیت و ارزش تحقیق 2
			5. فرضیه‌ها و سؤال‌های ویژه 2
			6. روش انجام تحقیق 2
			مقدمه‌ای بر فرهنگ عامیانه در داراب‌نامه
			طرسوسی 3
			1. سخنی درباره داراب‌نامه 3
			1-1. داراب‌نامه 3
			2-1. طرسوسی 4
			2. فولکلور؛ فرهنگ عامه؛ فرهنگ مردم 5
			1-2. تعریف فولکلور 5
			2-2. قلمرو فولکلور در ایران 7
			3-2. فولکلور در آثار پیشینیان 8
			4-2. رابطه فولکلور و مردم‌شناسی 8
			5-2. ارزش و اهمیت فولکلور 8
			6-2. اهداف فولکلور 9
			7-2. تقسیم‌بندی فولکلور 10
			فصل دوم: زندگی مادی
			– مسکن و سایر بناها 12
			1. مسکن 12
			2. سایر بناها 13
			– مشاغل و حرفه‌ها 16
			1. مشاغل توده مردم 16
			2. مشاغل کشوری و لشکری 22
			– خوراک 28
			1. آچار 28
			2. آش (آب) 28
			3. بره بریان 28
			4. حلوا 28
			5. خرما 28
			6. شوربا 28
			7. شیرخشت 29
			8. غسل 29
			9. کلیچه 29
			10. مرغ بریان 29
			11. نان جوین و دوغ ترش 29
			12. نان سفید 29
			– پوشاک 30
			1. جامه‌های جنگی 31
			2. جامه‌های غیر جنگی 33
			3. انواع سربندهای زنانه و مردانه 36
			4. انواع پای‌افزارها 38
			5. پارچه‌ها 39
			6. زینت‌آلات 42
			– وسایل و ابزارآلات 44
			1. اسباب و اثاث زندگی 44
			2. ابزار و آلات مربوط به مشاغل 47
			3. ابزار و آلات جنگ 50
			4. ابزار و وسایل مربوط به شکنجه 58
			5. ابزار و آلات مخصوص چوگان‌بازی 59
			– سنگ‌های قیمتی و فلزات و عطریات 60
			1. سنگ‌های قیمتی و زینتی 60

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
22. کندن گوش	84	2. فلزات	62
23. گردن زدن	84	3. عطریات	64
24. میان به دو نیم زدن	84	- اوزان و مقایسه و زمانها	66
25. میل در چشم کشیدن	84	1. اوزان و مقایسه	66
فصل سوّم: زندگی معنوی			
- دینداری و آداب و عقاید و افسانه‌های مربوط			
به آن	86	2. زمانها	69
1. خداپرستی و آداب و عقاید مربوط به آن	86	- حیوانات پر کاربرد در زندگی مردم	71
2. سایر پرستش‌ها	96	- تفریحات و بازیها	77
- اخلاق‌شناسی مردم داراب‌نامه			
1. عهد و پیمان بستن	98	1. چوگان‌بازی	77
2. احترام به بزرگترها و پیران	99	2. شکار کردن	78
3. تلاش برای نیکنامی	100	- انواع شکنجه و مجازات	
4. مهمان‌نوازی	100	1. انداختن سرهای کشتگان بر گردن اسرا	80
5. وفاداری	101	2. با خواری در شهر گرداندن	80
6. حق‌گزاری	102	3. بردن به مکان‌های بی‌آب و علف	80
7. بی‌اعتنایی به مال دنیا	103	4. بر عقابین کشیدن	80
8. اعتقاد به بی‌وفایی دنیا و نعمات آن	103	5. برهنه کردن سر زنان و در شهر گرداندن آنان	81
9. نیکوکاری	103	6. بریدن انگشت	81
10. مذمت خون ریختن	104	7. بریدن بینی و گیسو	81
- هنرشناسی			
1. موسیقی	105	8. برهنه کردن و رسن در پا کردن و سرنگون از	81
1-1. کاربرد موسیقی در داراب‌نامه	105	دار آویختن	81
2-1. تقسیم‌بندی سازها	105	9. بند بر پای نهادن	81
2. شناگری	117	10. به زیر پای فیل انداختن	81
- علوم			
1. طالع‌بینی	119	11. به یک پا آویزان کردن	82
1-1. کاربرد طالع	119	12. به یک پا ایستادن	82
2-1. ابزار طالع‌بینی	121	13. پالهنگ در گردن کسی انداختن	82
3-1. برخی اصطلاحات و باورهای مربوط به	121	14. تازیانه زدن	82
نجوم و طالع‌بینی	122	15. دار زدن	82
		16. در چاه زندانی کردن	83
		17. در خام کشیدن	83
		18. در صندوق کردن و در دریا انداختن	83
		19. سنگ بر پا بستن و در دریا انداختن	83
		20. سنگسار کردن	83
		21. سوراخ کردن گوش	84

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
17. فلسفه شیر مادر	138	2. جادوگری	124
139 - آداب و رسوم		1-1. شیوه کار جادوگران	125
1. آداب احترام و بزرگداشت	139	2-2. کاربرد جادو و افسون	126
2. آداب جنگ	144	3-2. باطل کردن جادو	127
3. آداب و رسوم خواستگاری و ازدواج	149	3. تعبیر رؤیا	128
4. آداب و رسوم غذا خوردن	152	1-3. اهمیت تعبیر رؤیا و معبران در نزد شاهان 128	
5. آداب و رسوم کنیزداری و غلامداری	154	2-3. احترام شاهان به معبران	128
6. آداب مجالس بزم و شراب	156	3-3. گرفتن امان‌نامه برای تعبیر خواب از شاه 129	
7. آداب و رسوم مرگ و میر	159	4-3. اهمیت تعبیر خواب در نزد مردم	129
8. آداب نامه‌نگاری	163	5-3. عقاید مردم در مورد تعبیر خواب	129
- باورهای مربوط به مرد و زن و خانواده و		6-3. تقسیم‌بندی رؤیاها	129
167 خویشان		- باورها و اصطلاحات جغرافیایی 133	
- باورها و آداب پراکنده	168	1. قرار داشتن زمین بر پشت ماهی و گاو	133
- ادبیات عامیانه	170	2. هفت اقلیم	133
1. افسانه‌ها	170	3. هفت زمین	134
1-1. موجودات شگفت‌انگیز (افسانه‌ای) ...	171	- طبابت عامیانه 135	
2-1. مکان‌های افسانه‌ای	187	1. درمان خون دماغ	135
3-1. درختان افسانه‌ای	194	2. بیهوش کردن	135
4-1. سنگ افسانه‌ای	196	3. درمان بیهوشی	135
5-1. صداهای غیبی و افسانه‌ای	197	4. درمان آبله چشم	136
6-1. افسانه زادن و پرورش اسکندر	197	5. درمان نابینایی	136
2. حکایات	198	6. درمان بوی بد دهان	136
3. ضرب‌المثل‌ها	201	7. درمان خستگی و خشکی دماغ	136
4. معماها	208	8. درمان جراحی	136
5. قسم‌ها	209	9. زیان‌های پرخوری	136
6. دعاها	210	10. خواص کم‌خوری	137
7. نفرین‌ها	211	11. زیان ترشی	137
8. دشنام‌ها	212	12. خواص و ضرر شراب	137
نتیجه‌گیری	216	13 . خواص روغن گاو	137
فهرست منابع	218	14. دلیل سپیدمویی	137
		15. دلیل قولنج	137
		16. دلیل روان شدن شیر مادر	137



فصل اول:
کلیات

پیش‌گفتار

شرح تحقیق

1. موضوع تحقیق

در این پژوهش با نام «فرهنگ عامیانه در داراب‌نامه طرسوسی»، ارکان فرهنگ عامیانه شامل آداب و رسوم، اعتقادات، جشن‌ها، شغل‌ها، خوراک و پوشاک، طب عامیانه، علوم عامیانه، موسیقی، ادبیات عامیانه و... استخراج، دسته‌بندی و تحلیل شده است.

2. سابقه و تاریخچه

داراب‌نامه اثر ابوطاهر طرسوسی، یکی از زیباترین داستان‌های عامیانه فارسی و مربوط به قرن ششم هجری قمری است. این کتاب، هم از لحاظ داستان‌پردازی و هم از دیدگاه جامعه‌شناسی و مطالعه در آداب و رسوم و احوال اجتماعی و فرهنگی مردم گذشته، شایسته توجه است. به دلیل کمیابی و بی‌رواج بودن این اثر، کار مستقلاً بر روی آن انجام نگرفته، جز اینکه سابقاً مقاله‌ای با نام «ظرفیت‌های رمزی در داراب‌نامه طرسوسی» توسط دکتر ناصر نیکویخت، دکتر حسن ذوالفقاری و میرعباس عزیزی‌فر به نگارش درآمده که در آن با نگاهی عرفانی، ظرفیت‌های رمزی داراب‌نامه طرسوسی بررسی شده است. درباره فرهنگ عامیانه و آداب و رسوم در داراب‌نامه نیز تنها در برخی کتب چون «تازه به تازه، نو به نو» از مهران افشاری و «ادبیات عامیانه ایران» نوشته محمدجعفر محجوب، به صورت گذرا و بسیار کوتاه به برخی از افسانه‌ها و آداب و رسوم ذکر شده در داراب‌نامه اشاره شده است.

3. اهداف تحقیق

مهم‌ترین اهداف این پژوهش:

1. آشنایی بیشتر با فرهنگ عامیانه و آداب و رسوم و شرایط اجتماعی و شیوه زندگی

پیشینیان؛

2. جمع‌آوری و شناساندن بیشتر فرهنگ اصیل ایرانی؛

3. آشنایی بیشتر با اثر مهمی چون داراب‌نامه طرسوسی؛

4. بررسی میزان بازتاب فرهنگ عامیانه در متن مهم و باارزشی چون داراب‌نامه طرسوسی.

4. اهمیت و ارزش تحقیق

مطالعه و تحقیق در زمینه فولکلور یا فرهنگ مردم از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا باعث آشنایی بیشتر مردم با فرهنگ خودی و اصالت آن می‌شود؛ همچنین از آنجا که فرهنگ مردم هر ملت انعکاس ذوق و هنر و شیوه تفکر و خلق و خوی آن ملت است، موجب آشنایی افراد با اوضاع زمان و طرز زندگی مردم و در نتیجه تحول و تکامل فکری و اجتماعی ملت‌ها در دوره‌های مختلف می‌گردد. نیز موجب حفظ ارزش‌ها و میراث کهن ملی می‌شود و از هجوم فرهنگ بیگانه به فرهنگ خودی جلوگیری می‌کند.

5. فرضیه‌ها و سؤال‌های ویژه

- 1-5. چه عناصری از فرهنگ عامیانه در داراب‌نامه طرسوسی وجود دارد؟
- 2-5. در جوامع آن روز چه عناصری از فرهنگ عامیانه بیشتر رواج داشته است؟
- 3-5. کیفیت و کمیت بازتاب فرهنگ عامیانه در داراب‌نامه طرسوسی به چه نحوی است؟
- 4-5. اوضاع و احوال اجتماعی، فرهنگی، دینی در زمان این اثر چگونه بوده است؟

6. روش انجام تحقیق

این تحقیق در حوزه علوم انسانی و به روش تحلیل محتوا و کتابخانه‌ای انجام شده است؛ بدین ترتیب که پس از مطالعه کتاب داراب‌نامه طرسوسی، ارکان فرهنگ مردم که در متن کتاب به آن‌ها اشاره شده، استخراج و به فیش‌ها منتقل و دسته‌بندی شده و با استفاده از منابع و مآخذ و فرهنگ‌های دیگر تحلیل و مستند شده است.

مقدمه‌ای بر فرهنگ عامیانه در داراب‌نامه

نگارنده قبل از شروع پژوهش، با نام فرهنگ عامیانه در داراب‌نامه طرسوسی، توضیحی کوتاه درباره داراب‌نامه و راوی آن و شیوه انشاء و... ارائه می‌دهد تا خواننده اطلاعاتی هرچند کوتاه در مورد این کتاب ارزشمند به دست آورد.

1. سخنی درباره داراب‌نامه طرسوسی

1-1. داراب‌نامه

بخش قابل توجهی از ادبیات کلاسیک فارسی به داستان‌های عامیانه اختصاص دارد و برخی از این داستان‌ها نیز از جنبه حماسی برخوردارند. (ادبیات عامیانه ایران، ص 116) مطلب مهم و قابل ذکر در مورد این داستان‌ها، این است که نویسندگان آن‌ها از میان مردم عادی برمی‌خاستند و از مردم عادی و از داستان‌گزارانی که مانند خود آن‌ها در مجالس قصه‌گویان حضور می‌یافتند، مطالبی می‌آموختند و سپس همان‌ها را برای مردم بیان می‌کردند؛ این افراد در مدارس تحصیل نکرده و به زبان عربی نیز خو نگرفته بودند، بنابراین با فارسی ساده و روان روزگارشان سخن می‌گفتند و چون هنگام بیان داستان، به بسیاری از مسائل مربوط به زندگی مردم از طبقات مختلف، و یا به امور نظامی و به توصیف جنگ‌ها و... می‌پرداختند، کلمات و اصطلاحات مربوط به آن امور را نیز به میان می‌آوردند و هنگام سخن گفتن با مردم، تعبیرات مورد استفاده خود آنان را به کار می‌بردند. (داراب‌نامه، 1/ بیست و دو) این داستان‌گزاران با استفاده از تعبیرات عامه علاوه بر آنکه خاطر مردم را راضی نگه می‌داشتند، باعث تهذیب نفس آنان نیز می‌شدند و عامل مهمی در انتقال فرهنگ گذشته به نسل‌های جدید بودند. (از گذشته ادبی ایران، ص 88) در این داستان‌ها، عنصر افسانه با تاریخ درآمیخته بود و عامه مردم بین تاریخ و افسانه تفاوتی نمی‌دیدند. (همان، ص 20) در واقع، این داستان‌ها تاریخ‌هایی افسانه‌آمیز بود که نام‌آوران گذشته مانند اسکندر را از تاریخ به عالم افسانه می‌کشاند. یکی از این داستان‌ها قصه داراب‌نامه اثر ابوطاهر طرسوسی است. (همان، ص 102) داراب‌نامه یکی از زیباترین داستان‌های عامیانه فارسی است که بیشتر از آنکه به شرح سرگذشت داراب، پسر اردشیر پردازد، شرح احوال اسکندر و بوران‌دخت می‌باشد. («ظرفیت‌های رمزی در داراب‌نامه طرسوسی»، ص 165) داراب‌نامه، داستانی حماسی و مثنوی است و قهرمانان داستان نیز همان‌هایی هستند که در شاهنامه آمده‌اند. (ادبیات داستانی در ایران...، ص 173) داراب‌نامه کتابی بی‌اصل نیست و مبتنی بر روایاتی است

که از گذشته‌های دور مانده و چون به دست قصه‌گویان افتاده، با مطالب جدید و مخصوصاً با بیان عجایب کوه‌ها و جزیره‌ها و دریاها آمیخته شده است تا شنوندگان و خوانندگان این داستان‌ها را بیشتر مجذوب کند. (داراب‌نامه، 1/ هفده)

«نثر کتاب بسیار روان و استوار و در بعضی موارد، یادآور نثرهای فصیح عهد سامانیان است و گویا این موارد تحت تأثیر متون قدیمی تری از عهد نویسنده بوده است که اینک از آن خبر نداریم.» (گنج و گنجینه¹، ص 165 به نقل از سبک‌شناسی نثر، ص 268) علت کمیابی و بی‌رواج بودن داراب‌نامه در دوره‌های اخیر، بیشتر آن است که به زبان کهنه نوشته شده؛ علاوه بر این، ارتباط موضوع آن به پیش از اسلام و نفوذ عناصر خالص ایرانی، مخصوصاً نظر بدی که ایرانیان پیش از اسلام نسبت به اسکندر داشته‌اند، نیز کمیاب شدن راویانی که در دوره بعد از حمله مغول به روایت داستان‌های ملی قدیم ایرانی توجه کنند، و حتی کم شدن شنوندگان و خوانندگانی که به این‌گونه داستان‌های ملی علاقه‌مند باشند، در کمیاب شدن نسخه‌های این کتاب تأثیرگذار بوده است. (همان، 1/ بیست و دو و بیست و سه) داراب‌نامه، هم از لحاظ داستان‌پردازی و تحقیقات ادبی و لغوی و هم از دیدگاه جامعه‌شناسی و مطالعه در آداب و رسوم و احوال اجتماعی و فرهنگی مردم آن روزگار شایسته توجه است. (فرهنگ ادبیات فارسی، ص 81)

1-2. طرسوسی

ابوطاهر طرسوسی که نام کاملش «ابوطاهر ابن محمد ابن حسن ابن علی ابن موسی طرسوسی» است، از داستان‌گزاران قرن ششم هجری قمری می‌باشد. از سرگذشت وی اطلاع زیادی در دست نیست اما آن‌طور که از شواهد برمی‌آید، شیعی مذهب بوده است. (همان، ص 80) او «بزرگ‌ترین مقلد فردوسی در موضوع تاریخ رمانتیک است و به واسطه حکایات متنوعی که از افسانه‌های ایرانی ساخته، شهرت دارد.» (تاریخ ادبیات فارسی، ص 214)

نسبت طرسوسی یا طرطوسی، به یکی از دو محل طرسوس در آسیای صغیر یا طرطوس در شام (سوریه امروزی) است. در هر دو مکان، جنگ‌هایی بین مسلمانان و حکومت‌های حاکم درگرفت و مسلمانان آن دیار ناگزیر به سایر نواحی اسلامی مهاجرت کردند و احتمالاً این طرسوسی یا یکی از پیشینیان او از جمله همین افراد بودند که به ایران آمدند و باقی ماندند و زبان فارسی و روایات ملی ایران را آموختند و روایت کردند. (داراب‌نامه، 1/ بیست و شش)

1. گنج و گنجینه؛ ذبیح‌الله صفا، به کوشش دکتر محمد ترابی، فردوس، 1362.

سعید نفیسی معتقد است که «نام این داستان‌نویس، ابوطاهر حسن ابن علی ابن موسی طوسی است، و در نیمه دوم قرن پنجم در خراسان می‌زیسته و داستان‌هایش را در آن ناحیه فراهم کرده است و در کتابت، طوسی را به طرسوسی تبدیل کرده‌اند.» (تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج 1، ص 71) شیوه نویسنده‌اش ساده و روان است و در توصیف و شرح صحنه‌ها و رویدادها و حالات روانی، مهارت زیادی دارد. از ابوطاهر طرسوسی علاوه بر داراب‌نامه، آثار دیگری نیز بر جای مانده است مانند: 1. ابومسلم‌نامه که داستانی حماسی و دینی در مورد ابومسلم خراسانی است. 2. قهرمان‌نامه یا حکایت قهرمان قاتل که مربوط به عهد هوشنگ است و برخلاف روایت‌های رایج، اسفندیار به دست قهرمان این داستان کشته می‌شود. 3. تواریخ‌نامه که داستانی در سرگذشت سلیمان و دیوان و پریان است. 4. مسیب‌نامه، حماسه‌ای دینی در مورد فاجعه کربلا است. 5. قران حبشی که مربوط به عهد کیقباد است. 6. منظومه جنگ‌نامه محمد حنفیه که از مثنوی‌های حماسی و دینی و در مورد محمد حنفیه است... (فرهنگ ادبیات فارسی، ص 81 و تاریخ ادبیات فارسی، ص 215 و داراب‌نامه، ص بیست و شش)

نگارنده در این پژوهش بر آن است تا ارکان فرهنگ مردم (فولکلور) در داراب‌نامه طرسوسی را به نگارش درآورد، از این رو ابتدا به تعریف فولکلور و بیان ارزش‌ها و اهداف و تاریخچه آن می‌پردازد.

2. فولکلور؛ فرهنگ عامه؛ فرهنگ مردم

2-1. تعریف فولکلور

فولکلور¹ مرکب از دو کلمه (فولک) به معنی مردم، گروه، ملت، عوام، توده مردم و (لور) به معنی دانش و معرفت است؛ بنابراین واژه فولکلور را می‌توان به فرهنگ و دانش عامه یا افسانه‌ها و آداب و رسوم و باورهای مردم ترجمه کرد. نخستین کسی که واژه فولکلور را انتخاب کرد، ویلیام تومس² بود که در سال 1846 آن را وضع نمود و در نوشته‌های خود به کار برد. از آن زمان، این واژه در زبان محاوره انگلیسی‌ها راه یافت و تمام ملت‌ها آن را به همین صورت قبول کردند و این واژه جنبه بین‌المللی به خود گرفت؛ اما اگر در زبان فارسی به دنبال کلمه‌ای معادل فولکلور باشیم، باید ترکیباتی مانند مجموعه اطلاعات مردم، دانش توده، فرهنگ

Folklore .1

William Thoms .2

مردم، دانش عوام یا ترکیباتی از این قبیل را به کار ببریم. (مردم‌شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، ص 110 و ادبیات عامیانه ایران، ص 35)

برای اصطلاح فولکلور تعریف دقیقی نمی‌توان ارائه داد. وارنیاک نیز عقیده دارد که فولکلور را نه بر اساس خصوصیات عامیانه‌اش و نه بر مبنای ویژگی‌های سنتی‌اش نمی‌توان به درستی تعریف کرد، اما می‌توان چند ویژگی را برای آن برشمرد: 1. فولکلور با هیچ‌گونه روش علمی و استدلال منطقی همراه نیست، یعنی نه معلمی آن را تدریس می‌کند و نه از کتاب و نوشته‌ای می‌توان آموخت. 2. فولکلور بر میراث و اصول تمدنی کهن بنا شده است. 3. فولکلور بدون اینکه با اصول تمدنی جدید ترکیب شود، در کنارشان قرار می‌گیرد. (مبانی انسان‌شناسی، ص 166-167)

همچنین در تعریف فولکلور می‌توان گفت: «فولکلور مطالعه و تحقیق در زندگی مادی و معنوی عامه مردم در کشوری متملن از دوران تولد تا آخرین لحظه عمر است، زیرا انسان از زمان به دنیا آمدن تا هنگام مرگ با این افکار و عقاید و آداب و رسوم سر و کار دارد.» (جان عاریت، ص 17)

محمود روح الامینی معتقد است که اصطلاح فرهنگ عامه و فرهنگ مردم، معادل مناسبی برای کلمه فولکلور نیست، زیرا فرهنگ نه محدود به فولکلور و نه منحصر به عوام می‌شود و باورهای فولکلوری در تمامی گروه‌ها اعم از خواص و عوام وجود دارد، و در ادامه، تعریفی از وان ژنپ، فولکلوریست فرانسوی می‌آورد که می‌گوید: فولکلور باورها و اعمال گروهی‌ای است که با موازین علمی و منطقی جامعه انطباق ندارد و اجرای آن‌ها برحسب عادت و تقلید و همچشمی و سرگرمی انجام می‌گیرد مانند مراسم و باورهای پیرامون ازدواج و مرگ و میر و آداب خوراک و پوشاک و... (زمینه فرهنگ‌شناسی، ص 81)

صادق هدایت نیز طبق تعریف سن تیو، فولکلور را این‌گونه تعریف می‌کند: «فولکلور به مطالعه زندگی توده عوام در کشورهای متمدن می‌پردازد، زیرا در مقابل ادبیات توده، فرهنگ رسمی و استادانه وجود دارد به این معنی مواد فولکلور در نزد مللی یافت می‌شود که دارای دو پرورش باشند: یکی طبقه تحصیل کرده و دیگری مربوط به طبقه عوام.» و در ادامه می‌گوید: «به طور خلاصه، فولکلور آشنایی با پرورش معنوی اکثریت مردم یک ملت متمدن در مقابل پرورش افراد تحصیل کرده آن ملت است و در ابتدا تنها ادبیات عامیانه را شامل می‌شد، اما رفته رفته تمام سنت‌ها و آنچه مردم در زندگی خارج از دبستان می‌آموختند جزو آن گردید.» (نوشته‌های پراکنده، ص 485-486)

فریدون وهمن، استاد ایران‌شناسی دانشگاه کپنهاگ، با این تعریف از فولکلور مخالف است و می‌گوید: «برای اینکه تعریفی درست از فولکلور کرده باشیم، باید بگوییم که لفظ فولک یا مردم می‌تواند به دسته‌ای از مردم از هر طبقه و گروهی که می‌خواهد باشد اطلاق شود، به شرط آنکه آنان لااقل در یک چیز با هم مشترک باشند، این وجه اشتراک می‌تواند شغل مشابه، دین مشترک، زبان واحد و غیره باشد. اما آنچه مهم است آن است که این گروه به هر ترتیب که شکل گرفته باشد، باید سنت‌ها و رسوم خاص داشته و آن را از خود بداند... آن رشته از سنن و آداب که به آن اجتماع شخصیت و هویت و موجودیت مخصوص خودش را می‌دهد، فولکلور می‌نامیم.» (فرهنگ مردم کرمان، ص 347)

بنا بر آنچه گفته شد، فولکلور، مجموعه‌ی آداب و رسوم و باورهای مردم در عروسی و تولد و مرگ، شکل پوشاک و شیوه‌ی لباس پوشیدن مردم، آداب غذا خوردن و شراب نوشیدن و آداب دید و بازدید، آداب نشست و برخاست، آیین رزم و پیکار در جنگ، شیوه‌ی رفتار و اخلاق مردم در دوره‌های مختلف، افسانه‌ها، رقص‌ها و ترانه‌ها، طب‌عامیانه، ضرب‌المثل‌های عوام و معتقدات و باورهایی که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر می‌رسد، نیز هنر و معماری، علوم عامیانه چون نجوم و طالع‌بینی و جادوگری و تعبیر خواب، شناخت سنگ‌ها و فلزات، حیوانات و باورها در مورد آن‌ها، شکنجه‌ها، اوزان و مقایسه و... را شامل می‌شود. (در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن، ص 177؛ جان‌عاریت، ص 217؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص 1103؛ نوشته‌های پراکنده، ص 501 و فرهنگ مردم کرمان، ص پانزده)

2-2. پیشینه فولکلور در ایران

از سال‌های اولیه‌ی قرن چهاردهم هجری شمسی، تعدادی از نویسندگان، دانشمندان و پژوهشگران ایرانی با فرهنگ و زبان غربی و علم فولکلور در غرب آشنایی یافتند و این دانش را به مردم ایران شناساندند. نخستین بار، غلامرضا رشید یاسمی، استاد دانشگاه تهران، اصطلاح فرهنگ عامه را معادل کلمه فولکلور برگزید و به کار برد. صادق هدایت نیز یکی از نخستین نویسندگان ایرانی بود که در همان دهه اول قرن چهاردهم هجری شمسی به جمع‌آوری ارکان فرهنگ عامه (فولکلور) در ایران پرداخت. (در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگران نگرستن، ص 68) نویسندگان بزرگ دیگری چون محمدعلی فروغی، علی‌اکبر دهخدا، امیرقلی امینی و... از نخستین پژوهشگران فرهنگ و ادبیات عامه مردم ایران بوده‌اند و تحقیقات و پژوهش‌های ارزنده‌ای در زمینه فولکلور انجام داده‌اند. (همان، ص 73)

2-3. فولکلور در آثار پیشینیان

با اینکه دانش فولکلور از رشته‌های علمی جدید است، اما فولکلور یا فرهنگ عامه به سنّ شکل‌گیری نخستین مجموعه‌های انسانی، عمر دارد. مورخان، نویسندگان و شاعران ایرانی در دوره‌های مختلف به زندگی مردم و اقوام ایرانی و آداب و رسوم، مذهب و اخلاق آنها توجه داشته‌اند و در کتب تاریخی و آثار نظم و نثر خود به شیوه زندگی مردم و عادات و سنّت‌های آنها اشاره کرده‌اند. (همان، ص 80)

2-4. رابطه فولکلور و مردم‌شناسی

فولکلور و مردم‌شناسی، ارتباط بسیار نزدیکی به هم دارند و نمی‌توان بین آنها مرزی ایجاد کرد و نیازی هم به مرزبندی وجود ندارد. اما خطوط کلی تمایز بین آن دو را می‌توان این‌گونه بیان کرد: 1. فولکلور بیشتر به جمع‌آوری و تقسیم‌بندی پدیده‌های فرهنگی اهمیت می‌دهد، اما مردم‌شناس به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد. 2. فولکلور بیشتر به مطالعه گذشته می‌پردازد، اما مردم‌شناس درباره جوامع کنونی مطالعه می‌کند. 3. تحقیقات فولکلور معمولاً متکی بر مدارک موزه‌ای و کتابخانه‌ای است و فرهنگ مردم را از میان کتب تاریخی و کتب مربوط به گذشته جستجو می‌کند، اما تحقیقات مردم‌شناسی محلی است. (مبانی انسان‌شناسی، ص 273)

2-5. ارزش و اهمیت فولکلور

فرهنگ مردم یا فولکلور از اهمیت زیادی برخوردار است و باید در حفظ آن، نهایت تلاش انجام گیرد؛ زیرا اگر به فرهنگ مردم یک قوم و ملت در دوره‌های مختلف توجه نشود، فرهنگ‌های بیگانه جای آن را خواهند گرفت و فرهنگ اصیل، کمرنگ و رفته رفته محو خواهد شد؛ بنابراین یکی از راه‌های مبارزه با هجوم فرهنگ بیگانه، گردآوری، ثبت و ضبط آداب و رسوم و باورهای قومی هر ملت است. (فرهنگ مردم لرستان، ص 9-10) همچنین تا زمانی که اندیشه‌ها و عقاید مردم یک ملت تدوین و تألیف نشود، نوشتن تاریخ تمدن آن قوم ممکن نیست. امروزه دیگر برای مطالعه زندگی معنوی و مادی ملت‌ها، به تاریخ‌های رسمی مراجعه نمی‌شود و تنها تاریخ تمدن آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. (جان عاریت، ص 17)

فرهنگ عامه، نقش مؤثری در آموزش راه و رسم زندگی گذشتگان و انتقال معارف و سنّت‌ها و ارزش‌های فرهنگی آنان دارد. (در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن، ص 177) امروزه بیشتر فولکلورشناسان و مردم‌شناسان معتقدند که قهرمانان

فولکلوری، نمونه کاملی از تمدن‌هایی هستند که از آن‌ها برخاسته‌اند. (فرهنگ ادبیات فارسی، ص 1103) از دلایل دیگر ارزش و اهمیت مطالعه فرهنگ مردم، پی بردن به این مسئله است که فرهنگ مردم در دوره‌ها و مناطق مختلف با وجود اختلافات ظاهری، ریشه و منشأ یکسانی دارد و این باعث وحدت بیشتر ایرانیان می‌شود. (جان عاریت، ص 483)

فرهنگ مردم یا فولکلور، منبع گرانبهایی برای پژوهشگران مردم‌شناس نیز هست. مردم‌شناسان با استفاده از آثار فولکلوری که از کهن‌ترین میراث فرهنگی انسان است و از زندگی ساده و فعال او نشأت گرفته، می‌توانند به عمق زندگی مردم راه یابند و به شیوه اندیشه‌ها، باورها، ارزش‌ها و قوانین اجتماعی و به طور کلی، به تحول و دگرگونی فرهنگ مردم آگاهی پیدا کنند. (مردم‌شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، ص 113)

فولکلور هر ملت یا فرهنگ مردم علاوه بر خود آن ملت، برای مردم سراسر جهان نیز، چه از جنبه علمی و چه از لحاظ اجتماعی، دارای اهمیت بسیار است. ارزش جهانی فولکلور به آن دلیل است که فرهنگ مردم هر ملتی، بازتاب اندیشه و هنر و نشانگر خلق و خو و خصوصیات آن قوم و ملت است و چون با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، باعث دوستی یک ملت با سایر ملل جهان می‌شود. فولکلور، بهترین عاملی است که ملت‌ها را به هم نزدیک می‌کند و پیوند دوستی و رابطه معنوی آنها را مستحکم می‌کند و کاهش‌دهنده کینه‌ها و دشمنی‌هاست. (جان عاریت، ص 483) از دلایل دیگر ارزش و اهمیت فولکلور این است که آشنایی با فولکلور باعث فهم بهتر و آسان‌تر متون ادبی می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، گردآوری فولکلور، یک خدمت مهم فرهنگی و ملی محسوب می‌شود و در جمع‌آوری آن باید نهایت تلاش انجام گیرد. (همان، ص 18)

2-6. اهداف پژوهش درباره فولکلور

هدف از پرداختن به فرهنگ عامه یک ملت، این است که مردمی را که از ارزش میراث‌های فرهنگی بی‌اطلاع‌اند، با این ارزش‌ها آشنا کنیم و به آنها بفهمانیم که هر ملتی باید با توجه به ویژگی‌های قومی و ملی خودش، تمدن امروزی را کسب کند؛ زیرا ما نباید گذشته خودمان را فراموش کنیم بلکه باید ادامه‌دهنده سنت‌های ملی و قومی خودمان باشیم.

به طور کلی، اهدافی که یک فولکلورشناس دنبال می‌کند، عبارت‌اند از: 1. حفظ و نگهداری رسوم و عادت‌ها و دوری از فرنگی‌مآبی 2. ترویج این فکر از طریق آشنا کردن هموطن‌هایی که به این رسوم و سنت‌های عالی انسانی بی‌عنایت و بی‌توجه‌اند. 3. جمع کردن و منظم کردن و چاپ کردن این مطالب. (همان، ص 32)

2-7. تقسیم‌بندی ارکان فولکلور

فرهنگ را از دیدگاهی به فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی تقسیم کرده‌اند: فرهنگ مادی شامل همه وسایل و ابزارهای مادی و در حقیقت، مجموعه پدیده‌هایی که محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی است؛ و فرهنگ غیرمادی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم و سنت‌ها، افکار، علوم، هنر، ادبیات و تمام فرآورده‌های ذهنی انسان که قابل اندازه‌گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی‌توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود. (زمینه فرهنگ شناسی، ص 24)

از اولین کسانی که به تقسیم‌بندی صورت‌ها و موضوع‌های فرهنگ عامه پرداخته‌اند، رشید یاسمی و صادق هدایت را می‌توان نام برد. این دو نیز فرهنگ عامه را به دو بخش مادی و معنوی تقسیم‌بندی کرده‌اند. (در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن، ص 73) نگارنده در این رساله، با توجه به تقسیم‌بندی محمود روح‌الامینی از فرهنگ و روش‌های رشید یاسمی و صادق هدایت و کتاب‌هایی که در زمینه فرهنگ عامیانه در مناطق مختلف تألیف شده، ارکان فرهنگ مردم در داراب‌نامه را به دو بخش تقسیم کرده است.

در فصل اول، زندگی مادی مردم شامل مسکن و بناها، مشاغل، خوراک، پوشاک، ابزار و وسایل (اسباب و اثاث زندگی، ابزار و آلات مربوط به مشاغل، ابزار و آلات جنگی، ابزار و آلات شکنجه و مجازات، ابزار و آلات مربوط به چوگان‌بازی)، سنگ‌های قیمتی و زینتی و فلزات و عطریات، اوزان و مقایس و زمان‌ها، انواع شکنجه‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم، زندگی معنوی مردم شامل دینداری، اخلاق، آداب و رسوم، هنرشناسی و علوم، اصطلاحات و باورهای جغرافیایی، طبابت، باورهای در مورد زنو مرد و خانواده، باورهای پراکنده و ادبیات عامیانه بررسی شده است.